



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

کلمات و اصطلاحات مهمانی به انگلیسی

🕒 ۱۴۰۵/۰۲/۰۵ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی 🕒 ۸۲ بازدید



The graphic features a vibrant party scene with a DJ on the left and a group of people dancing on the right. The background is filled with colorful confetti. The text is centered and reads: 'کلمات و اصطلاحات مهمانی به انگلیسی' (Party Vocabulary in English) in large black font, followed by 'Party Vocabulary in English' in a smaller font, and 'مثال و ترجمه +' (Example and Translation) in a purple font with a plus sign. The Zaban Master logo is in the bottom right corner, and the website URL 'zabanmaster.com' is in the bottom left corner.

مهمانی یکی از آن موقعیت‌هایی است که در آن فقط دانستن چند کلمه ساده مثل party یا guest کافی نیست. اگر بخواهید در دنیای واقعی درباره دعوت شدن، میزبان بودن، پذیرایی، دورهمی دوستانه یا حتی مهمانی رسمی صحبت کنید، باید از طریق آموزش زبان انگلیسی با واژه‌ها و اصطلاحات طبیعی‌تری آشنا شوید. در این مقاله، مهم‌ترین کلمات و اصطلاحات مهمانی به انگلیسی را با مثال‌های واقعی و نیتو بررسی می‌کنیم تا بتوانید هم در مکالمه و هم در نوشتن، طبیعی‌تر حرف بزنید.

موضوعات این مقاله

- ۱ مهمانی به انگلیسی چیست؟
- ۲ مهمان، میزبان و مهمان‌نوازی به انگلیسی
- ۳ کلمات مهمانی به انگلیسی – تلفظ مهمان به انگلیسی و تفاوت guest با visitor
- ۴ انواع مهمانی به انگلیسی
- ۵ مهمانی رسمی، دوستانه، خانوادگی و دورهمی به انگلیسی
- ۶ فعل‌ها و ترکیب‌های مهم درباره مهمانی
- ۷ عبارات کاربردی برای دعوت کردن به مهمانی
- ۸ عبارات واقعی داخل مهمانی
- ۹ اصطلاحات مربوط به غذا، نوشیدنی و پذیرایی
- ۱۰ اسلنگ‌ها و اصطلاحات نیتو درباره مهمانی
- ۱۱ جمع بندی اصطلاحات مهمانی به انگلیسی
- ۱۲ سوالات متداول کلمات مهمانی به انگلیسی

مهمانی به انگلیسی چیست؟

رایج ترین کلمه برای «مهمانی» در انگلیسی party است، اما در عمل، انگلیسی زبان ها بسته به نوع فضا از کلمات دیگری هم استفاده می کنند - از مهمانی دورهمی به انگلیسی گرفته تا موارد دیگر.

party

مهمانی / جشن

We're **having a party** at my place on Friday night.

جمعه شب خانه من مهمانی داریم.

gathering

گردهمایی / جمع دوستانه یا خانوادگی

It was a small **family gathering**, not a big party.

آن فقط یک دورهمی کوچک خانوادگی بود، نه یک مهمانی بزرگ.

get-together

دورهمی / جمع دوستانه

We're planning a little **get-together** this weekend.

ما برای این آخر هفته یک دورهمی کوچک برنامه ریزی کرده ایم.

celebration

جشن / مراسم شادی

The dinner was a **celebration** of her promotion.

آن شام، جشنی برای ارتقای شغلی او بود.

نکته مهم اینجاست که party عمومی‌تر است، اما get-together و gathering معمولاً حس صمیمی‌تر و غیررسمی‌تری دارند.

بیشتر بخوانید: [کلمات شهربازی به انگلیسی](#)

مهمان، میزبان و مهمان‌نوازی به انگلیسی

برای صحبت درباره افراد حاضر در مهمانی، این کلمات مهمانی به انگلیسی خیلی مهم‌اند:

guest

مهمان

We invited about twenty **guests** to the party.

ما حدود بیست مهمان را به مهمانی دعوت کردیم.

host

میزبان

The **host** made everyone feel comfortable.

میزبان باعث شد همه احساس راحتی کنند.

hostess

میزبان (مؤنث)

The **hostess** greeted us at the door.

میزبان خانم دم در از ما استقبال کرد.

در انگلیسی امروزی، خیلی وقت‌ها **host** را هم برای مرد و هم برای زن به کار می‌برند.

hospitality

مهمان‌نوازی

They're known for their warm **hospitality**.

آن‌ها به مهمان‌نوازی گرمشان معروف‌اند.

hospitable

مهمان نواز

Her family was incredibly **hospitable**.

خانواده او فوق العاده مهمان نواز بودند.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات عروسی و ازدواج به انگلیسی

کلمات مهمانی به انگلیسی – تلفظ مهمان به انگلیسی و تفاوت guest با visitor

کلمه «مهمان» در انگلیسی معمولاً guest است.

guest

مهمان – کسی که به مهمانی، خانه، مراسم یا برنامه‌ای دعوت شده یا حضور دارد.

All the wedding **guests** arrived on time.

همه مهمان‌های عروسی سر وقت رسیدند.

visitor

بازدیدکننده / ملاقات‌کننده – بازدیدکننده / ملاقات‌کننده

We had a **visitor** at the office this morning.

امروز صبح در اداره یک بازدیدکننده داشتیم.

houseguest

مهمانی که در خانه شما می ماند - نه فقط یک دیدار کوتاه

We have **houseguests** staying with us for the weekend.

آخر هفته مهمان هایی داریم که در خانه ما می ماندند.

بیشتر بخوانید: احساسات به انگلیسی

انواع مهمانی به انگلیسی

برای اینکه فقط به گفتن party بسنده نکنید، بهتر است انواع رایج مهمانی را هم بلد باشید.

birthday party

جشن تولد

She **threw a birthday party** for her son.

او برای پسرش جشن تولد گرفت.

wedding reception

جشن عروسی / مراسم پذیرایی عروسی

The **wedding reception** was held at a hotel.

مراسم پذیرایی عروسی در یک هتل برگزار شد.

housewarming party

مهمانی خانه‌نویی / جشن خانه جدید

They invited us to their **housewarming party**.

آن‌ها ما را به مهمانی خانه‌نویی‌شان دعوت کردند.

dinner party

مهمانی شام

We're going to a **dinner party** tonight.

امشب داریم به یک مهمانی شام می‌رویم.

surprise party

مهمانی غافلگیرانه

His friends planned a **surprise party** for him.

دوستانش برای او یک مهمانی غافلگیرانه برنامه ریزی کردند.

graduation party

جشن فارغ التحصیلی

They had a **graduation party** after the ceremony.

آن‌ها بعد از مراسم، جشن فارغ التحصیلی گرفتند.

بیشتر بخوانید: [توصیف شخصیت به انگلیسی](#)

مهمانی رسمی، دوستانه، خانوادگی و دورهمی به انگلیسی

این بخش دقیقا همان چیزی است که خیلی از زبان آموزها دنبالش هستند.

مهمانی رسمی به انگلیسی

formal party

مهمانی رسمی

It was a **formal party**, so everyone dressed up.

آن یک مهمانی رسمی بود، برای همین همه لباس رسمی پوشیده بودند.

cocktail party

مهمانی رسمی یا نیمه رسمی با نوشیدنی و گفت و گو

We met a lot of interesting people at the **cocktail party**.

ما در آن مهمانی کوکتل با افراد جالب زیادی آشنا شدیم.

مهمانی دوستانه به انگلیسی

casual party

مهمانی دوستانه / غیررسمی

Don't worry about what to wear. It's just a **casual party**.

نگران لباس نباش. فقط یک مهمانی دوستانه و غیررسمی است.

friendly get-together

دورهی دوستانه

It was more of a **friendly get-together** than an actual party.

آن بیشتر یک دورهی دوستانه بود تا یک مهمانی واقعی.

بیشتر بخوانید: تمام کلمات کاربردی انگلیسی

مهمانی خانوادگی به انگلیسی

family gathering

مهمانی یا جمع خانوادگی

We usually **have a family gathering** on New Year's Eve.

ما معمولاً شب سال نو یک دورهی خانوادگی داریم.

family get-together

دورهی خانوادگی

The barbecue turned into a big family **get-together**.

آن (مهمانی) باربکیو تبدیل به یک دورهمی بزرگ خانوادگی شد.

بیشتر بخوانید: اعضای خانواده به انگلیسی

مهمانی دورهمی به انگلیسی

برای دورهمی در انگلیسی چند گزینه طبیعی وجود دارد:

get-together

دورهمی

Let's have a small **get-together** at my place.

بیا یک دورهمی کوچک در خانه من داشته باشیم.

hangout

دورهمی / وقت‌گذرانی دوستانه

It wasn't a real party, just a chill **hangout**.

یک مهمانی واقعی نبود، فقط یک دورهمی راحت و خودمانی بود.

kickback

دوره‌می خیلی خودمانی و راحت

We had a little **kickback** with some friends after work.

ما بعد از کار با چند تا از دوستان یک دوره‌می کوچک و خودمانی داشتیم.

فعل‌ها و ترکیب‌های مهم درباره مهمانی

فقط دانستن اسم‌ها کافی نیست. در مکالمه واقعی، این فعل‌ها و ترکیب‌ها خیلی مهم‌اند.

throw a party

مهمانی گرفتن

They're **throwing a party** for their anniversary.

آن‌ها برای سالگردشان مهمانی می‌گیرند.

host a party

میزبان مهمانی بودن

We **hosted a party** at our new apartment.

ما در آپارتمان جدیدمان میزبان یک مهمانی بودیم.

invite people over

دعوت کردن افراد به خانه

We **invited** a few friends over for dinner.

ما چند دوست را برای شام به خانه دعوت کردیم.

show up

حاضر شدن / سر رسیدن

A lot more people **showed up** than we expected.

خیلی بیشتر از چیزی که انتظار داشتیم، آدم آمد.

drop by

سر زدن

You should **drop by** if you're free tonight.

اگر امشب وقت داشتی، خوب است یک سر بیایی.

dress up

رسمی یا شیک لباس پوشیدن

Everyone **dressed up** for the event.

همه برای آن مراسم شیک لباس پوشیده بودند.

clean up after the party

بعد از مهمانی جمع و جور کردن

Nobody wants to **clean up** after the party.

هیچ کس دوست ندارد بعد از مهمانی جمع و جور کند.

بیشتر بخوانید: افعال پرکاربرد انگلیسی

عبارات کاربردی برای دعوت کردن به مهمانی

این بخش برای مکالمه خیلی مهم است.

Would you like to come to my party?

دوست داری به مهمانی من بیایی؟

Would you like to come to my party on Saturday?

دوست داری شنبه به مهمانی من بیایی؟

We're having a few people over.

چند نفر را دعوت کرده ایم خانه.

We're having a few people over tonight.

امشب چند نفر را دعوت کرده ایم خانه.

You should come.

باید بیایی.

You should come. It'll be fun.

باید بیای. خوش خواهد گذشت.

It's going to be very casual.

(مهمانی) خیلی خودمانی خواهد بود.

Don't worry, it's going to be very casual.

نگران نباش، خیلی خودمانی است.

پاسخ دعوت به انگلیسی

I'd love to come.

خیلی خوشحال می شوم بیایم.

Thanks for inviting me. I'd love to come.

ممنون که دعوتم کردی. خیلی خوشحال می شوم بیایم.

I can make it.

می توانم بیایم.

Yes, I can make it after work.

بله، بعد از کار می توانم بیایم.

I'm afraid I can't make it.

متاسفانه نمی توانم بیایم.

I'm afraid I can't make it this time.

متأسفانه این دفعه نمی توانم بیایم.

Maybe next time.

شاید دفعه بعد.

I have plans that night, but maybe next time.

آن شب برنامه دارم، اما شاید دفعه بعد.

بیشتر بخوانید: آموزش مکالمه تلفنی به انگلیسی

عبارات واقعی داخل مهمانی

این ها همان جمله هایی هستند که واقعا در مهمانی شنیده می شوند.

Welcome! Come in.

خوش آمدی! بیا داخل.

Hey, welcome! Come in.

هی، خوش آمدی! بیا داخل.

Make yourself at home.

راحت باش / احساس راحتی کن. / خونه خودته.

Make yourself at home and help yourself to some snacks.

راحت باش و بایه سری خوراکی از خودت پذیرایی کن.

Can I get you something to drink?

چیزی برای نوشیدن برایت بیاورم؟

Help yourself.

از خودت پذیرایی کن.

The food's on the table. Help yourself.

غذا روی میز است. از خودت پذیرایی کن.

Have some more.

بیشتر بردار / یک مقدار دیگر بخور.

Come on, **have some more.**

بیا، یک مقدار دیگر هم بخور.

Thanks for having us.

ممنون که دعوتمان کردید.

We had a great time. **Thanks for having us.**

خیلی خوش گذشت. ممنون که دعوتمان کردید.

بیشتر بخوانید: [اصطلاحات نیتيو انگلیسی](#)

اصطلاحات مربوط به غذا، نوشیدنی و پذیرایی

snacks

تنقلات / خوراکی سبک

There were **snacks** and drinks in the kitchen.

در آشپزخانه تنقلات و نوشیدنی بود.

finger food

فینگرفود / غذای لقمه‌ای / غذایی که با دست خورده می‌شود

They served **finger food** instead of a full dinner.

آن‌ها به جای شام کامل، غذای لقمه‌ای سرو کردند.

buffet

بوفه / سلف‌سرویس

It was a **buffet**, so everyone served themselves.

مهمانی بوفه‌ای بود، برای همین همه خودشان برای خودشان غذا کشیدند.

drinks

نوشیدنی‌ها

He brought some **drinks** for the party.

او چند نوشیدنی برای مهمانی آورد.

dessert

دسر

Dessert was the best part of the meal.

دسر بهترین بخش غذا بود.

بیشتر بخوانید: [غذاها به انگلیسی](#)

اسلنگ‌ها و اصطلاحات نیتیو درباره مهمانی

اسلنگ‌ها بخش مهمی از کلمات مهمانی و اصطلاحات مربوط به آن را تشکیل می‌دهند. در ادامه مهم‌ترین موارد را می‌آوریم:

party animal

کسی که عاشق مهمانی و خوش‌گذرانی است

He used to be a real **party animal** in college.

او در دوران دانشگاه واقعا عاشق مهمانی و خوش‌گذرانی بود.

the life of the party

مجلس گرم‌کن

She's always **the life of the party**.

او همیشه مجلس گرم کن است.

social butterfly

آدم بسیار اجتماعی

My sister is such a **social butterfly**.

خواهرم واقعا آدم خیلی اجتماعی ای است.

party pooper

کسی که حال و هوای جمع را خراب می کند / بدفاز

Don't be a **party pooper**. Come dance with us.

بدفاز نباش. بیا با ما برقص.

crash a party

بدون دعوت رفتن به مهمانی

A few strangers tried to crash the party.

چند غریبه سعی کردند بدون دعوت وارد مهمانی شوند.

[بیشتر بخوانید: آموزش کامل اسلنگ انگلیسی](#)

جمع بندی اصطلاحات مهمانی به انگلیسی

برای صحبت درباره مهمانی در انگلیسی، فقط دانستن کلمه party کافی نیست. شما باید تفاوت بین party, gathering, get-together را بدانید، انواع مهمانی را بشناسید، با کلمات مهمی مثل guest, host, hospitality آشنا باشید، و بتوانید از عبارت‌های واقعی برای دعوت کردن، پذیرایی کردن و صحبت در خود مهمانی استفاده کنید. اگر این واژه‌ها و اصطلاحات را یاد بگیرید، هم در مکالمه طبیعی‌تر به نظر می‌رسید و هم بهتر می‌توانید فضای واقعی مهمانی را به انگلیسی توصیف کنید.

سوالات متداول کلمات مهمانی به انگلیسی

مهمانی به انگلیسی چی میشه؟

رایج‌ترین کلمه party است، اما برای دورهمی‌های صمیمی‌تر معمولاً از get-together یا gathering استفاده می‌شود.

مهمانی دورهمی به انگلیسی چی میشه؟

می‌توانید از get-together، hangout یا در حالت خیلی خودمانی kickback استفاده کنید.

مهمانی رسمی به انگلیسی چی میشه؟

معمولاً از formal party یا بسته به نوع آن dinner party و cocktail party استفاده می‌شود.

تفاوت guest و visitor چیه؟

Guest یعنی مهمان (در مهمانی یا خانه)، اما visitor بیشتر به معنی بازدیدکننده است و لزوماً مهمانی نیست.

چطوری به انگلیسی بگیم بفرمایید؟

بسته به موقعیت:

Help yourself (از خودت پذیرایی کن)

Come in (بیاید داخل)

Have some more (بیشتر بردار)